info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۵۲۹
دوشنبه ۹ / دی / ۱۳۹۸
۳ / جمادی الاول / ۱۴۴۱
30 / Dec/ 2019

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۳۳ ۰۲۶- فکس: ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

قاب سبز

وقتی دانش حرمتی بالاتر از مقررات اداری دانشگاهی دارد

دانش‌پژوه دکتر نبوده و مدارج دانشگاهی را طی نکرده بود. برخی از این سندها نشان می‌دهد اوضاع مالی پریشانی داشته و با حقوقی اندک سر می‌کرده است. وقتی مقررات اجازه نمی‌دهد یا رتبهٔ استادی بازنشسته شود. همه به تکاپو می‌افتند

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری آنلاین، دکتر میلاد عظیمی: دوست عزیز آقای دکتر رسول جعفریان کتاب جالبی منتشر کرده است به اسم «محمدتقی دانش‌پژوه در دانشگاه تهران» (انتخاباته مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۹۸). این کتاب اسناد اداری سال‌های خدمت استاد دانش‌پژوه در دانشگاه تهران است؛ یعنی سال‌های میان ۱۳۱۸ تا ۱۳۵۵. دانش‌پژوه یکی از دانشمندان برجسته ایران معاصر بود. با کارنامه‌ای درخشان. او کتابشناسی بزرگ و فهرستگاری کم‌نظیر بود. متون بسیاری را تصحیح و منتشر کرد. مقالات بسیار نوشت. آثارش مورد استناد ایرانشناسان بود و هست. نامش در مجامع ایرانشناسی بلند بود و هست. او اعتبار دانشگاه تهران بود و هست. ایرج افشار برآورد کرده که دانش‌پژوه قریب به صدهزار نسخه خطی و سند را در کتابخانه‌های ایران و جهان دیده و فهرست کرده است. همو دانش‌پژوه را فهرستگاری جهانی نامیده است. دانش‌پژوه مردی خاموش و بی‌هیاهو بود. به پیش چشم‌ها نمی‌کشید خود را. سرش به کارش بود. مستغرق بود. افشار نوشته با دانش‌پژوه و اللهیار صالح به سفر کاشان می‌رفتند تا چند نسخه خطی ببینند. در کویر میان آران و کاشان به شب افتادند و طوفان شن شد. چشم چشم را نمی‌دید. از ماشین پیاده شدند و افشار مقداری شاخه و بوته کند تا زیر لاستیک بگذارد که ماشین راه بیفتد. دانش‌پژوه در آن مخمصه به افشار گفت اگر نتوانیم به راهمان ادامه بدهیم سرنوشت آن نسخه‌ها و فهرست کردنشان چه می‌شود. افشار برخاش می‌کند که مرد حسابی داریم زیر شن دفن می‌شویم تو به فکر نسخه هستی. صالح به او گفت شما به این فکر باشید که اگر ماشین راه نیفتد امشب در این کویر چه باید بکنیم؟

هر سفری که می‌رفت برای این بود کتاب خطی ببیند و فهرست کند. افشار نوشته که دانش به میزبانان می‌گفت که ما صرفا به کتابخانه و مسجد و گورستان بیرید. برای دیدن کتاب و کتیبه از اروپا و شوروی و آمریکا به افشار نامه می‌نوشت و نسخه‌هایی را که دیده بود معرفی می کرد و افشار نامه‌هایش را در مجلهاش چاپ می کرد. دانش‌پژوه نماد تحقیق درست و اصیل و سودمند بود. آثارش مبنای پژوهش درست است. او اعتبار ایران و دانشگاه تهران بود.

دانش‌پژوه دکتر نبوده و مدارج دانشگاهی را طی نکرده بود. برخی از این سندها نشان می‌دهد اوضاع مالی پریشانی داشته و با حقوقی اندک سر می‌کرده است. همچنین این سندها نشان می‌دهد که دوستان دانش مثل افشار و زریاب و زرین کوب چقدر دلسوزش بوده‌اند. چند نامه از افشار به اولیای دانشگاه هست که در آنها مقام علمی دانش‌پژوه را توضیح داده است.

بهترین جای کتاب آنجاست که دانش قرار است بازنشسته شود و مقررات اجازه نمی‌دهد یا رتبهٔ استادی بازنشسته شود. همه به تکاپو می‌افتند. دانش مقاله به زبان انگلیسی نوشته بود و به همین دلیل نمی‌توانست استاد شود. منصور اتحادیه، اشراقی، افشار، باستانی، رضوانی، ستوده و همه اناملق استادان گروه تاریخ به عزت‌الله نگهبان رئیس دانشکده ادبیات نوشتند که دانش‌پژوه در خلال تحقیقات خود هیچ گاه در صدد برنیامد آثارش را یا ضوابط اداری تطبیق دهد و ترفیع بگیرد. اگر مراد از مقاله به انگلیسی نوشتن این است که نام دانشگاه تهران در مجامع خارجی آوازه بیابد. کتابهای دانش‌پژوه همه جا هست و فرنگی و ایرانی به کارهایش ارجاع می‌دهند این نامه را باید افشار نوشته باشد. نامه‌ای هم زریاب خویی به رئیس دانشگاه نوشته که خیلی نامهٔ قشنگی است به رئیس دانشگاه تذکر داده مقام و اعتبار علمی دانش‌پژوه فراتر از این مقررات عادی است و با احترام گذاشتن به مقام علمی دانش پژوه همه می‌فهمند که دانشگاه تهران درباره استادان بزرگ خود محبوس مقررات عادی نیست و زبان طاعنان هم بسته می‌شود که دانشگاه تهران به چنین دانشمندی مرتبهٔ استادی ندادنامهٔ زریاب یکی از عالی‌ترین ستایش‌ها از مقام علمی دانش‌پژوه است. نامهٔ لطیفی هم دکتر زرین کوب به رئیس دانشگاه نوشت. گفت استادان دانشکده ادبیات متأسف هستند که نمی‌توانند از لحاظ عناوین مرسوم خود را همرتبهٔ دانش‌پژوه - که دانشیار بود- بیایند. می گوید افتخار این است که شبیه دانش‌پژوه باشیم. ادب را می‌بینید. بزرگواری و ظرافت را ملاحظه می‌کنید.

دانشگاه تهران و رئیس وقت آن دکتر هوشنگ نهاوندی هم این شعور و درایت را داشت که به این توصیه‌ها و دلسوزی‌ها توجه کند و سرانجام استاد دانش‌پژوه به عنوان استادی استادی ملقب گشت و با این مرتبه بازنشسته شد.

این نامه‌ها را که می‌خواندم با خودم می گفتم متحد جانهای مردان خداست یعنی این جور بزرگ بودند و نجیب بودند و بلندنظر بودند. حرمت دوست و همراه بزرگ و نجیب و یگانه خود را پاس می‌داشتند. همه چیز فانی است. اینان که نام و یادشان در این کتاب آمده عموما رفته‌اند. همه چیز برگذشتنی است. افسانهٔ نیک شو نه افسانهٔ بد.

امروز با حافظ

مرا چشمی ست خون افشان ز دست آن کمان ابرو
جهان بس فتنه خواهد دید از آن چشم و از آن ابرو
غلام چشم آن ترکم که در خواب خوش مستی
نگارین گلشنش روی است و مشکین سایبان ابرو

خوانش

ای عجیب قشنگ با نگاهی پُر از لفظ مرطوب

سهراب سپهری

اذان شرعی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۴۳	۰۷:۱۵	۱۲:۰۸	۱۷:۰۱	۱۷:۲۰

برگه

در مورد هیچ چیز از روی ظاهر قضاوت نکن. مار هر چقدر زیباتر، نیش آن کشنده تر.

گوته

تلنگر

یافتن معنایی برای زندگی طول عمر را زیاد می کند

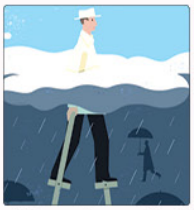

یک مطالعه جدید نشان می‌دهد که یافتن هدف و معنایی در زندگی می‌تواند خطر مرگ زودرس را کاهش دهد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایستا، محققان آمریکایی در این مطالعه داده‌های بیش از ۱۰۰۰ بزرگسال آمریکایی را که به پرسشنامه‌های روانشناختی در مورد هدف زندگی پاسخ داده بودند، مورد بررسی قرار دادند.

آن‌ها دریافتند افرادی که احساس می‌کردند معنای زندگی را پیدا کرده‌اند، بهزیستی جسمی و روانی بهتری را گزارش داده و تمایل به داشتن عمر طولانی‌تری دارند اما افرادی که هنوز به دنبال معنای زندگی بودند، بهزیستی روانی بدتر و هم‌چنین عملکرد ضعیف‌تر شناختی داشتند. یافته‌های این تیم تحقیقاتی از دانشگاه کالیفرنیای سن دیگو حاکی از آن است که عدم دستیابی به هدف زندگی به خودی خود یک عامل خطر برای مرگ زودرس بوده و یافتن آن ممکن است به افزایش سال‌های عمر کمک کند. به گفته یک استاد روانپزشکی و علوم اعصاب دانشکده پزشکی سن دیگوی آمریکا، بسیاری از افراد از منظر فلسفی به معنی و هدف در زندگی فکر می کنند. نکته آن است که افرادی که به این معنا دست می‌یابند نسبت به اشخاصی که در یافتن آن موفق نیستند، زندگی شادتر و سالم‌تری دارند.

در این مطالعه که داده‌های بیش از ۱۰۰۰ بزرگسال آمریکایی بین ۲۱ تا بیش از ۱۰۰ ساله مورد بررسی قرار گرفته، از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا عباراتی از جمله "من به دنبال یک هدف یا رسالت برای زندگی خودم هستم" و "من یک هدف رضایت‌بخش دریافته‌ام" را امتیازبندی کنند.

نتایج نشان داد افرادی که به این هدف دست یافته‌اند از سلامت جسمی و روانی بهتری برخوردارند. هم‌چنین افرادی که در جستجوی این معنا بودند از افرادی که به دنبال آن نیستند، از وضعیت سلامت بهتری برخوردار هستند.

هم‌چنین اثرات دستیابی به این معنا در افراد کمتر و بیشتر از ۶۰ ساله متفاوت بوده است. در دهه دوم زندگی افراد به طور معمول در مورد شغل، شریک زندگی و هدف خود مطمئن‌تر هستند. با ورود به دهه سوم و چهارم زندگی امکان دارد افراد شغل و شریک زندگی خود را پیدا کرده و جست‌وجویی برای یافتن معنای زندگی کاهش یافته و در عوض معنا افزایش می‌یابد.

بعد از ۶۰ سالگی معمولا این روند تغییر می‌کند. افراد در این سن انقلاب بازنشسته شده‌اند. درست همان طور که داشتن شغلی ثابت منجر به شفافیت هدف زندگی می‌شود، از دست دادن آن منجر به ایجاد حسی مبهم در مورد هدف زندگی می‌شود.

بسیاری تصور می‌کنند با از دست دادن شغلشان، بخشی از هویت خود را از دست داده‌اند. هم‌چنین در این سنین مشکلات سلامتی آغاز شده و احتمال دارد افراد بسیاری از اعضای خانواده و عزیزان خود را از دست بدهند. از همین رو با تغییر معنای قبلی افراد شروع به جست‌وجوی دوباره برای یافتن معنایی جدید در زندگی خود می‌کنند.

به نوشته روزنامه دیلی میل، در اوایل سال جاری میلادی (۲۰۱۹)، مطالعه‌ای در مورد ۷۰۰۰ آمریکایی میانسال نشان داد افرادی که هدفی قوی در زندگی دارند، بیش از دو برابر افرادی که حداقل یک هدف قوی در زندگی خود دارند، احتمال مرگ ناشی از بیماری‌های قلبی-عروقی طی یک دوره پنج ساله را دارند. این هدف حتی در جلوگیری از مرگ و میر زودرس بیش از ترک دخانیات یا ورزش منظم تاثیر دارد.

مقاله

تامین مالی؛ مهیج‌ترین مرحله سفر کسب‌وکار (بخش دوم)

اولین دور تامین سرمایه ما در اکتبر ۲۰۱۳ اتفاق افتاد و هیچ وقت لحظه‌ای را که پول به حساب بانکی ما واریز شد، فراموش نمی‌کنم با اینکه قرارداد را نهایی کرده بودیم، بخشی از من هنوز در تردید بود که آیا همه چیز درست پیش خواهد رفت یا نه. اما وقتی تایید انتقال پول را دیدم، آن را باور کردم! با آن پول، می‌توانستیم در توسعه سیستم‌ها، تکنولوژی و تیم‌هایی که برای بزرگ شدن مقیاس کسب‌وکارمان نیاز داشتیم، سرمایه‌گذاری کنیم. همچنین می‌توانستیم انبار و حمل‌ونقل را درونی‌سازی کنیم. متوجه شده بودیم که اگر بخواهیم یک کسب‌وکار چند میلیارد دلاری ایجاد کنیم، تامین و تدارکات باید یک قابلیت هسته‌ای دیگر باشد. مشاوران ما گفته بودند ساختن یک انبار از صفر، یک سال و نیم طول می‌کشد. اما با رشد ۳۰۰ درصدی که ظرف یک سال بدست آوردیم، آنقدر زمان نداشتیم. شرکت لجستیک که کار تامین و تدارک ما را مدیریت می‌کرد نمی‌توانست با این روند ادامه دهد و بنابراین در تجربه مشتری چوی اشکالاتی پیش آمد. ما به کنترل بیشتری نیاز داشتیم و باید سریع این کار را انجام می‌دادیم. می‌دانستیم که باید این تحول را ظرف چند ماه انجام دهیم.

در فوریه ۲۰۱۴ جست‌وجو برای مکان‌های احتمالی را شروع کردیم و تمرکزمان شمال‌شرق آمریکا بود چون تراکم جمعیت کشور در آنجا بیشتر است. در نهایت شهرک مکاکیسبرگ را انتخاب کردیم تا امکان ارسال ۲۴ ساعته به مشتریان در سه ایالت پرجمعیت پنسیلوانیا، نیویورک و نیوجرسی وجود داشته باشد. تابستان همان سال، تاسیساتی نزدیک به ۴ هکتاری افتتاح کردیم که پر از لوازم، ظرف غذا، کربرو قفس، باکس، اسباب‌بازی و چیزهای دیگر مربوط به نگهداری سگ و گربه بود. با اینکه تدارک و اداره این تاسیسات در کمتر از شش ماه انجام شد، اما کار خیلی دشواری بود. هر اتفاق بدی که می‌توانست رخ دهد، رخ داد. نتوانستیم با سرعت لازم، نیروهای کار مناسب در انبار را استخدام کنیم. وقتی در نهایت این کار را انجام دادیم، دستگاه‌های اسکنر خراب شدند. سیستم وای‌فای برای مدیریت انبار از کار افتاد. خلاصه به صورت شبانه‌روزی کار کردیم و مشکلی را پس از مشکل دیگر حل کردیم تا همه‌چیز روی روال افتاد. همچنین به‌شدت بر بازاریابی متمرکز شدیم. از روز اول، تقریبا به‌طور انحصاری بر تبلیغاتی که نتیجه مستقیم داشت سرمایه‌گذاری کردیم. بنابراین هر یک دلاری که خرج می‌شد قابل پیگیری بود. با سرمایه‌گذاری در تیم و فرآیندها سعی کردیم به‌طور موثری مشتریان مناسب با هزینه مناسب جذب کنیم و به این ترتیب، توسعه پیدا کردیم. عامل رشد ما جریان آزاد نقدینگی بود. فروش بیش از دوبرابر شد و از ۲۰۵ میلیون دلار در سال ۲۰۱۴ به ۴۲۳ میلیون دلار در سال ۲۰۱۵ رسید. استخدام‌های جدید، نقش مهمی در بزرگ شدن شرکتمان داشت. خیلی زود متوجه شدم که باید بخشی از زمانم را به شکل موثری بر استخدام‌ها متمرکز کنم. ابتدا، جذب نیرو برای من یک چالش بزرگ بود من و آن ساعت‌های زیادی را صرف بررسی متقاضیان کار در لینکدین می‌کردیم. در آنجا توضیح می‌دادیم که شرکت ما به سرعت در حال رشد است و چه هدفی داریم، اما ۹۸ درصد افراد به خودشان زحمت نمی‌دادند که پاسخ دهندند در کمال تعجب، همین موضوع به یک فیلتر مفید تبدیل شد. همان ۲ درصدی که جواب ما را دادند، اعتقاد واقعی به کار داشتند. کار تیمی بلد بودند و سازنده کسب‌وکار بودند که چنین فرصتی باعث هیجانشان شده بود. همه آنها قلب‌های بزرگ، اراده قوی و تمایل به پیروزی داشتند. ما آنها را به خاطر اشتیاقشان استخدام کردیم. خیلی از آنها شغلی که داشتند را رها کردند و حتی محل زندگی خود را تغییر دادند تا به ما بپیوندند. این فداکاری بزرگی بود که ما به سلاگی از آن نگذشتیم. ششمین دور تامین سرمایه هم انجام شد که مبلغ کل آن به بیش از ۳۵۰ میلیون دلار رسید.

مرحله بعد

در سال ۲۰۱۶ درآمد ما ۹۰۱ میلیون دلار بود و ظرف یک سال رشد ۱۰۰ درصدی داشت. این موضوع باعث شد برای دور بعدی تامین سرمایه به فکر عرضه اولیه سهام شرکت بیفتیم. حالا حدود ۷ هزار کارمند و شش انبار داشتیم و برنامه ما این بود که دو انبار دیگر در ۱۲ ماه آینده اضافه کنیم. از چشم‌انداز عملیاتی و استراتژیک، شرکت ما بسیار قوی شده بود. وقتی خودمان را برای عرضه اولیه آماده می‌کردیم، شرکت پتکو (Petco) که یکی از بزرگترین فروشنده‌های حیوانات خانگی در آمریکا محسوب می‌شد پیشنهاد ادغام با ما را داد. شرایط آنها با شرایط ما جور نبود و بعد از مدتی مذاکره به آنها جواب رد دادیم. در اوایل سال ۲۰۱۷ شرکت پتاسمارت که رقیب اصلی پتکو محسوب می‌شد، همین پیشنهاد را داد. ایمیلی از طرف ریموند لسویدر که در سال ۲۰۱۵ پتاسمارت را خریده بود دریافت کردم. او برای خرید چوی اظهار علاقه کرده بود و خواهان مذاکره بود. پتاسمارت یکی از اصلی‌ترین رقبای ما هم بود و به همین دلیل به دقت آنها را زیر نظر داشتیم. به آنها توضیح دادم که در حال آماده شدن برای عرضه اولیه هستیم و انتظار داشتیم رقم مشخصی را به صورت نقد به ما پیشنهاد دهند. اگر دینامیک‌های رقابتی را در نظر بگیرید، ما نمی‌خواستیم اطلاعات شخصی خودمان را به آنها بدهیم و یک فرآیند راستی آزمایی طولانی را شروع کنیم به لسویدر گفتم اگر خواهان تملک شرکت ما هستند، باید هرچه سریع‌ترین کار را انجام دهند. او پذیرفت و در آوریل ۲۰۱۷ توافقی امضا کردیم و شرکت را به ارزش ۳/۳۵ میلیارد دلار فروختیم. این بزرگ‌ترین فرآیند تملک در عرصه تجارت الکترونیک در تاریخ بود. سرمایه‌گذاران ما هم راضی بودند. آنهایی که در مراحل اول در شرکت سرمایه‌گذاری کرده بودند، سود قابل توجهی کردند. سرمایه‌گذاری در چوی نتایج خوبی به‌دنبال داشت و من به آن افتخار می‌کنم. آن سرمایه‌گذاران به من و بینشم اطمینان کردند و من هم بازدهی خوبی برای سرمایه آنها داشتم. بعد از تملک، درآمد چوی همچنان افزایش یافت و در سال ۲۰۱۸ به ۳/۵ میلیارد دلار رسید. در ژوئن امسال، پتاسمارت چوی را به عنوان زیرمجموعه خود با ارزش ۹ میلیارد دلار، به یک شرکت سهامی عام تبدیل کرد یعنی تقریبا سه برابر قیمتی که دو سال قبل آن را خریده بود.

من در مارس ۲۰۱۸ چوی را ترک کردم. تصمیم بسیار سختی بود، اما احساس کردم هر کاری که می‌توانستم برای این شرکت انجام دادم. شاهدم شرکت قوی بود و چشم‌انداز آن مشخص بود اما من دیگر کنترل کامل بر آن نداشتم و نمی‌خواستم رئیس داشته باشم. من یک بنیان‌گذار هستم، نه یک مدیر. بنابراین، کار من تمام شده بود وقتی به گذشته نگاه می کنم، می‌بینم تامین سرمایه برای کسب‌وکار، بهترین لحظات زندگی کاری من بود، چون مسیر سفر همیشه هیجان‌انگیزتر از رسیدن به خط پایان است.

مترجم: مریم رضایی

خبر

باران میکروپلاستیک‌ها بر سر لندنی‌ها

کارشناسان سلامت در انگلیس با بیان اینکه ذرات ریز میکروپلاستیک بر سر ساکنان لندن می‌بارند، گفتند در این شهر بالاترین سطح آلودگی میکروپلاستیک‌ها گزارش شده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایستا، تاثیرات تنفس یا مصرف کردن ذرات ریز پلاستیکی بر سلامت ناشناخته است و به گفته کارشناسان لازم است تحقیقات بیشتری برای ارزیابی مضرات آن انجام شود.

تا کنون تنها چهار شهر انگلیس مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند که در هوای تمامی آن‌ها آلودگی میکروپلاستیک‌ها وجود داشته است. محققان بر این باورند تمامی شهرها دچار این آلودگی می‌شوند چرا که منبع میکروپلاستیک‌ها از قبیل بسته‌بندی محصولات در تمامی نقاط وجود دارد.

تحقیق اخیر نشان داد که تمامی کره زمین با

معضل آلودگی میکروپلاستیک‌ها مواجه است. به گفته کارشناسان، این ذرات در تمامی نقاط از برف‌های قطب شمال و خاک‌های کوهستان‌ها گرفته تا بسیاری از رودخانه‌ها و اعماق اقیانوس‌ها یافت می‌شوند.

محققان انگلیسی گفتند: سطح میکروپلاستیک‌های موجود در هوای لندن شگفت‌آور است. در بررسی‌های انجام شده سطح بالایی از میکروپلاستیک‌ها دیده شده که بسیار بیش از آن چیزی است که در گذشته گزارش شده است. هر چند به نظر تمامی شهرهای جهان وضعیت مشابهی را تجربه می‌کنند.

هر سال حدود ۳۳۵ میلیون تن پلاستیک جدید تولید می‌شود که بسیاری از آن‌ها به محیط زیست راه پیدا می‌کند.

در این تحقیق، میکروپلاستیک‌های موجود روی پشت‌بام یک ساختمان ۹ طبقه در مرکز لندن جمع‌آوری شد. محققان دریافتند در تمامی هشت نمونه گرفته شده ۱۵ پلاستیک مختلف شناسایی شد. بیشتر میکروپلاستیک‌ها الیاف ساخته از اکریلیک بوده است. تنها هشت درصد از میکروپلاستیک‌ها ذرات پلی استایرن و پلی‌اتیلن بودند که به طور معمول در بسته‌بندی مواد غذایی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

یا شعرای کرج

پرده شب

وقتی کدام می زنی
پرده ی شب را
ببندست
خورشید چشم هایت
تو را از اوج شعر و ترانه و عشق
می خوانم برای رونق اینجا
با نسیم دلنواز کلامت
می باری شبنم عشق
غرق می شوم من
در ازدحام شیرین نفس هایت

بهروز قاسمی (رها)

بریده جراید

خسارت چند میلیارد دلاری ۱۵ بلای طبیعی در سال ۲۰۱۹

ایسنا - نتایج یک مطالعه نشان داد تغییرات اقلیمی عامل بروز ۱۵ بلای طبیعی در سال ۲۰۱۹ میلادی بوده که هر یک از آنها به تنهایی دست‌کم یک میلیارد دلار خسارت برجا گذاشته است.

موسسه خیریه Christian Aid در انگلیس در گزارشی اعلام کرد، در سال جاری میلادی حداقل ۱۵ حادثه طبیعی مرتبط با تغییرات اقلیمی رخ داده که طبق محاسبات، هر یک از این حوادث بیش از یک میلیارد دلار خسارت برجا گذاشته و در عین حال خسارت‌های برجای مانده از هفت مورد آنها حتی به بیش از ۱۰ میلیارد دلار نیز رسیده است.

۲۰۱۹ دومین سال گرم ثبت شده در تاریخ بوده و هر یک از بلایای گزارش شده با تغییرات اقلیمی مرتبط بوده‌اند. در سال ۲۰۱۹ بخش‌های مختلفی از جهان حوادث آب و هوایی ناشی از تغییرات اقلیمی را تجربه کردند. وقوع سیلابه، طوفان و حریق از جنوب آفریقا تا آمریکای شمالی و از استرالیا تا آسیا و اروپا در دسر ساز بوده است.

طبق گزارش موسسه خیریه Christian Aid وقوع این بلایا میلیون‌ها نفر را آواره کرده و مرگ و میرهای گسترده‌ای را به دنبال داشته است.

به گزارش بایگاه اینترنتی phys.org، هفت مورد از این حوادث دست‌کم با خسارت حدود ۱۰ میلیارد دلاری همراه بوده است؛ از جمله سیلاب در شمال هند، طوفان لکیما در چین، طوفان دوریان در آمریکا، سیل در چین، سیل در جنوب آمریکا، طوفان هاگیبیس در ژاپن و آتش‌سوزی جنگلی در کالیفرنیا که خسارت‌بارترین این حوادث بوده‌اند.

ماجرای یک کلاهبرداری از اهالی قلم و خانه کتاب

مهر- موسسه خانه کتاب سال ۱۳۸۷ هتلی را در مشهد مقدس خریداری می‌کند تا تبدیل به زائرسرای اهل قلم شود اما بعد معلوم می‌شود فروشنده ملک را به چند نفر دیگر هم فروخته است.

موسسه خانه کتاب در سال ۱۳۸۷ هتل آپارتمان وصال را در مشهد مقدس به آدرس خیابان آخوند خراسانی، آخوند خراسانی ۲۲ پلاک ۱۳۴ به صورت قوانه‌ای خریداری می کند. گویا بخش عمده‌ای از قیمت ملک مذکور (مبلغی در حدود یک و نیم میلیارد تومان) به حساب مالک واریز می‌شود تا باقی مبلغ در هنگام سند زدن به مالک تحویل شود.

اما پس از واریز مبلغ به حساب صاحب ملک مشخص می‌شود که سه دانگ از هتل به نام اوست و سه دانگ دیگر به نام همسرش و همچنین ملک در گرو یکی از بانک‌هاست و البته همسر دوم فروشنده نیز بابت مطالبات خود از او ملک را توقیف کرده است. همچنین در طی این مدت فروشنده ملک را به دو خریدار دیگر نیز فروخته است. اطلاعات دریافتی خبرنگار مهر نشان دهنده آن است که موسسه خانه کتاب با طرح شکایت در مراجع قضایی پیگیر این موضوع است اما این پیگیری تاکنون به نتیجه نرسیده است.

حال با توجه به اینکه وظایف تعریف شده موسسه خانه کتاب خدمت به اهل قلم است، این موسسه و مدیران سابقش باید نسبت به این اتفاق پاسخگو باشند. سوال اینجاست که چرا مدیرعامل وقت موسسه خانه کتاب ملک هتل وصال را بدون مشورت حقوقی به صورت قوانه‌ای خریداری کرده است؟ آیا این موسسه در آن دوران از حضور یک وکیل یا حقوق دان بهره می‌برده یا خیر؟

موسسه خانه کتاب زیرمجموعه‌ای از معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. سوال دیگر این است که چرا این وزارتخانه در طی این ۱۱ سالی که از ماجرا می گذرد نتوانسته این حق اهالی قلم ایران را احیا کند و چرا نسبت به این ماجرای حیرت آور شفاف سازی نکرده است؟

شواهد نشان می‌دهد که هتل آپارتمان وصال در طی این مدت به مخروبه تبدیل شده و حتی برخی از تجهیزات ساختمان از جمله آسانسورها نیز به سرقت رفته است. اگر ملک به این صورت خریداری نمی‌شد اهالی قلم می‌توانستند در سفرهای زیارتی خود به مشهد مقدس از امکانات آن بهره ببرند به عبارتی در طی این ۱۱ سال نه در حق خانه کتاب بلکه در حق اهالی قلم ایران اجحاف شده است.

حضور حضرت آیت الله رئیسی در جایگاه ریاست قوه قضاییه و قاضی اقتضائی کشور تاکنون برکات بسیاری به همراه داشته است. تاکید ایشان بر شفافیت و پیگیری حقوق اجحاف شده از مردم شریف ایران ستودنی است. امید است که با عنایت ویژه ایشان به این پرونده، حق اجحاف شده اهالی قلم در ایران نیز استیفا شود. به هر حال مبلغ مهمی از پول بیت المال در این ماجرا ضایع شده است که باید از طرف متولیان امر پیگیری شود.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان-در صورت تمایل-منتشر شود.

SMS
۳۰۰۰۴۸۰۲۶۰۰۶۰